

به نام او که اول است پیش از همه چیز، بی‌هیچ آغازی

انتخابات اتحادیه در پیش است. آنچه اکنون از نشر در معرض دیدگان و قضاوت‌ها قرار دارد، وضعیت تاسف‌برانگیزی است که پیش از آنچه به عملکرد اعضای واقعی این صنف برگردد، محصول سیاست‌گذاری‌های غلط و تصدی‌گری‌های بیش از حد دولت در این حرفه است. محصول تصمیم‌گیری‌ها و اجرای کسانی که بیش از آن که به امور این صنف خاص آشنا باشند، مردانی سیاسی یا وابستگان به قدرت حاکم بودند و برنامه‌ریز تصمیمات آنان نه مصالح نشر، وضعیت نابسامانی که اکنون شاهد آن هستیم، محصول دیدگاه غیرحرفه‌ای و کلی‌گرایانه کسانی است که صرفاً با تکیه بر آمار و ارقام قصد نمایش کارنامه‌ای درخشان از خود دارند و معمولاً به این مسئولیت‌ها به عنوان سکوه‌های پرشی به پست‌های بالاتر می‌نگرند.

در این جایگاه اهمیتی ندارد که بر سر نشر چه می‌آید، مهم این است که آنان را موفق بپندارند. در چنین شرایطی چه انتظاری جز وضع موجود می‌رود؟ در این عرصه آنانی خواهند توانست بمانند که یا زیرکانه سکوت کنند و یا مجیزگو و بلکه قربان‌گوی آنان باشند تا گاهی بی‌هیچ استحقاقی، از رانت‌های مختلف بهره‌ای ببرند.

در این سیستم از آنجا که منابع مادی متضمن بقای قدرت و دریافت تایید دیگران است، در همین راستا نیز به کار گرفته می‌شوند و هر که با این جریان همسو و حداقل در کلام، همراه و موافق باشد و جز تایید و تحسین به زبان نیاورد، از منافع و منابع بیشتری بهره خواهد برد و قدرت بی‌هیچ کنترل و ضابطه‌ای در جهت تسویه حساب‌های شخصی و جناحی به کار گرفته می‌شود. به این دلیل واگذاری شئون حرفه‌ای نشر از قبیل صدور پروانه نشر، صدور مجوز کتاب یا برگزاری نمایشگاه‌های مختلف که اوج تصدی‌گری بخش دولتی است که نمایش قدرت را کامل می‌کنند و دیگران را به کرنش وامی‌دارند، البته محال به نظر می‌رسد.

اما آنجا که دفاع از حقوق جامعه نشر و تسهیل امور ایشان نظیر عملیاتی کردن معافیت مالیاتی، تخصیص کاربری فرهنگی و غیرتجاری برای این صنف، رفع مشکلات عدیده مترتب بر عملکرد سازمان تامین اجتماعی، مقابله با تعرفه‌های پستی غیرقانونی، تخصیص تعرفه‌های خاص گروه فرهنگی در مورد آب، برق، گاز، تلفن و... مطرح است، اثری از حضور دولت نمی‌بینیم.

آیا جامعه نشر با این معضلات و با سیطره سیاسیون بر شئون فرهنگی آشنا نیست؟ چه تفکری و چه نگرشی باعث می‌شود که مسئولیت اداره کتاب به یک جوان با مدرک کارشناسی ارشد علوم سیاسی که هیچ تجربه‌ای در حوزه کتاب ندارد، سپرده شود؟ آیا واقعاً می‌توان توقع تحولی در نشر داشت؟

این مسئله ربطی به دوره اخیر ندارد. در طول سالیانی که در عرصه نشر فعالیت می‌کنم جز این ندیده‌ام و هر دولتی بیش از آنکه به مصالح نشر کشور اهمیت بدهد به اینکه منصوبین آنان در چهارچوب خطوط سیاسی مورد نظرشان حرکت می‌کنند یا خیر اهمیت می‌دهد.

در چنین شرایطی که مسئولین معاونت فرهنگی از میان کسانی انتخاب شده‌اند که با دغدغه‌های نشر کتاب و ناشران آشنایی ندارند، نیاز به یک اتحادیه صنفی قدرتمند بیش از پیش احساس می‌شود.

قدرت هر اتحادیه‌ای با پشتوانه اعضای آن بارور می‌شود و تک‌تک آرای اعضای صنف، ضریب قدرت، تاثیرگذاری چانه‌زنی‌های موفق و دفاع از حقوق اعضا را میسر می‌سازد. مگر می‌توان بدون پشتوانه قوی آرای اعضا، به دفاع از حقوق آنان در مجامع مختلف پرداخت و در جهت تسهیل امور نشر گام برداشت؟

و البته آنان که به عضویت هیئت مدیره درخواهند آمد خود باید واجد چنین خصوصاتی باشند: از وجهه و احترام کافی در جامعه نشر برخوردار باشند. دانش، بینش و قدرت کافی در شناخت منافع صنف را داشته باشند. عضو هیئت مدیره ضمن داشتن شهامت باید بتواند با درایت و زیرکی شرایط را درک و ضمن همسوسازی توانمندی‌های موجود، آفت‌های نشر و رفتارهای خاص را شناسایی و در جهت مصالح جامعه نشر جهت‌گیری کند.

آنانی انتخاب شوند که خود به منافع جمعی بیش از فردی اهمیت می‌دهند، به مدیریت بحران آشنا باشند، توانایی برنامه‌ریزی‌های کوتاه، میان و بلندمدت در این حوزه را داشته باشند، مهارت‌های ارتباط موثر، تصمیم‌گیری، تفکر انتقادی، کنترل خشم، خودآگاهی، توانایی قاطعیت ورزی، حل مسئله، مدیریت هیجانات و مدیریت استرس را داشته باشند.

عزیزانی باید انتخاب شوند که خود کارنامه قابل اعتنایی در این حوزه داشته باشند. اگر کسی در حوزه کاری خود موفق نبوده باشد، چگونه خواهد توانست در عرصه‌ای به مراتب بزرگتر به موفقیت برسد؟

آرزو می‌کنم شاهد مشارکت تمامی اعضای جامعه نشر در انتخابات آتی هیئت مدیره و انتخاب اعضای قوی با پشتوانه آرای مطمئن به منظور اعتلای جامعه نشر باشیم.

به یاد او که آخر است پس از هر چیز، بی‌هیچ پایانی

مدیر مسئول انتشارات تیمورزاده

دکتر فرهاد تیمورزاده